



هدف روس‌ها خنثی‌کردن تهدید امنیتی علیه خودشان است

کارشناس مسائل بین‌الملل گفت: به تحلیل بنده روس‌ها دنبال اشغال نظامی اوکراین نیستند؛ یعنی می‌خواهند یک دولت سرکار بیاید که بپذیرد عضو ناتو نشود تا این تهدید امنیتی از سر روس عبور کند.

به گزارش آران نیوز به نقل از خبرگزاری فارس، سیدالله زاری عضو هیات علمی دانشگاه و کارشناس مسائل بین‌الملل در میزگردی که به همت انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، با عنوان «تلاطم در اوکراین؛ روزنه‌ای به سوی نظم نوین جهانی» برگزار شد، با اشاره به مسئله انقلاب‌های رنگی و ایجاد یک دولت دست‌نشانده در اوکراین گفت: در اوکراین در سال 2004، انقلاب رنگی اتفاق افتاد و در واقع یک دولتی که رأی آورده «Shy» بود، کنار زده شد و یک دولتی تحت یک شرایطی به صورت دست‌نشانده سرکار آمد. البته روحیه دیپلماتیک را حفظ کردند، ولی خب همه فهمیدند که این در واقع یک دولت تحمیلی است.

وی ادامه داد: قبل از آن هم در جاهای دیگر این اتفاق افتاده بود؛ مثل قرقیزستان، صربستان (در سال 2000) و... البته در دو جا هم این انقلاب‌های رنگی شکست خورد؛ یکی در جمهوری آذربایجان که با کمک روسیه پرونده انقلاب‌های رنگی در سال 2005 بسته شد. عملاً یک همکاری‌های اطلاعاتی بین ما و روس‌ها شکل گرفت و پروژه‌های انقلاب‌های رنگی بسته شد. این پروژه، خود روسیه را هم هدف گرفته بود و خیلی هم تلاش کردند که تغییرات سیاسی و غربگراانه‌ای در مسکو رقم بخورد.

وی ادامه داد: حادثه دومی که باید به آن اشاره بشود، این است که در سند امنیتی آمریکا (سند 25 ساله) که از سال 2000 تا 2025 است، تصریح شده که در سال 2025 روسیه بایستی تجزیه شده باشد. روسیه از 160 ملت و فرهنگ تشکیل شده، بنابراین چنانچه ماشین تجزیه در پهناورترین کشور دنیا، که روسیه است و حدود 22 میلیون کیلومتر مربع مساحت دارد، راه بیفتد، این یک کشور تبدیل به 160 کشور می‌شود و دیگر چیزی از روسیه باقی نمی‌ماند.

زارعی با تأکید بر اینکه این مسئله، یک مسئله فوق‌امنیت ملی است گفت: روس‌ها برای اینکه این فتنه را بخوابانند، یک سری هشدارهایی دادند و مذاکره کردند؛ دست آخر هم حمله نظامی به اوکراین اتفاق افتاد. به تحلیل بنده، الان هم روس‌ها دنبال تغییرات سیاسی در اوکراین هستند، دنبال اشغال نظامی نیستند؛ یعنی یک دولت سرکار بیاید که بپذیرد عضو ناتو نشود تا این تهدید امنیتی از سر روس عبور کند.

* ابهامی درباره موضع جمهوری اسلامی نسبت به مسئله اوکراین وجود ندارد

این استاد دانشگاه درباره مشروع بودن یا نبودن جنگ روسیه اظهار داشت: ما به طور کلی استفاده از جنگ برای حل و فصل مسائل را از سوی هر کسی که باشد به رسمیت نمی‌شناسیم خودمان هم در این تاریخ ۴۳،۴۲ ساله‌ای که داشتیم همواره در جبهه مخالف جنگ بودیم؛ بنابراین ابهامی راجع به موضع جمهوری اسلامی نسبت به این مسئله وجود ندارد. اما در اینجا روسیه با یک تهدید وجودی و فوق‌استراتژیک مواجه شده است. یعنی اگر روس‌ها تلاش نکنند روسیه از دست می‌رود. این نکته براساس شواهدی همچون سند 25 ساله آمریکایی، انقلاب‌های مخملی، سیاست گسترش اتحادیه ناتو قابل دریافت است. اینجا اگر صحبت بر سر امنیت اروپا است، امنیت اروپا در جهت مهار جنگ قرار دارد و منافع واقعی اروپا توقف جنگ است نه دامن زدن به جنگ و زمینه‌سازی برای آن.

زارعی ادامه داد: وقتی اروپایی‌ها علی‌رغم اینکه می‌دانند این مسئله برایشان خطرناک است اما به صورت جبهه‌ای پای کار می‌آیند نشان می‌دهد حساب یک جنگ متوسط را کرده‌اند و یک مسئله بزرگی پشت این قضیه قرار گرفته است. مسئله‌ای همچون احساس خطر از روسیه آینده، چین آینده، ایران و آسیای آینده! آنها با چنین احساسی این ریسک را قبول کردند و پشت این ماجرا ایستادند. آنها فقط مخاطبشان روسیه نیست. همه آن چیزی که غرب آن را در مقابل خودش می‌بیند مسئله همه اینها است. مسئله ایران، چین و کل آسیا است.

وی در ادامه اظهار داشت: همین سیاست گسترش به جمهوری‌های شوروی سابق می‌تواند شامل کشورهای تاجیکستان، آذربایجان و ارمنستان هم بشود. قطعاً اینها در جمهوری‌های قفقاز جنوبی (گرجستان، آذربایجان، ارمنستان، تاجیکستان) زمینه‌هایی هم دارند. اگر کمی اوضاع بهم بریزد دولت‌هایی مثل قرقیزستان توان مقاومت نخواهند داشت. حالا هر چند قرقیزستان خیلی دور از این منطقه است ولی بالآخره اگر این ماشین راه بیفتد، اگر در اوکراین با زحمت به مقصد برسد در قرقیزستان بدون زحمت به مقصد می‌رسد و راحت و بدون شک دولت سقوط می‌کند. اگر چشم باز کنیم می‌بینیم ناتو دور تا دور جمهوری اسلامی را فراگرفته است و این مسئله به امنیت ملی ما مربوط می‌شود.

این استاد دانشگاه ادامه داد: اگر کسانی فقط حمله و حمله‌کننده را می‌بینند بدانند که این یک پروژه بین‌المللی است و ما هم یکی از نقاط هدف این پروژه هستیم. زارعی همچنین در خصوص موضع رهبران مقاومت نسبت به این موضوع تصریح کرد: طبیعتاً در جبهه مقاومت همه این حس و حال را دارند. انسان‌های فکور که ثابت کردند چقدر فکورند و چقدر دقیق می‌فهمند، چقدر دقیق تصمیم می‌گیرند. مثل آقای سید حسن نصرالله مثل آقای سید عبدالملک بدرالدین الحوثي. این افراد متوجه‌اند که مسئله جبهه است. یک جبهه است در مقابل یک جبهه دیگر و بایستی موضع داشته باشند و موضع بگیرند. حالا این وسط ممکن است یک اتفاقات ناگواری پیش بیاید. یک کسی در یک جایی یک رأی ناصوابی هم بدهد ولی اینکه ما با یک مسئله جبهه‌ای مواجه‌ایم در این نباید تردید کرد و طبیعتاً اضلاع و اشخاص جبهه مقاومت هم با همین رویکرد توجه دارند که این صحنه‌ها اگر به پیروزی ناتو ختم شود، فردا لبنان، یمن، عراق، روسیه و ایران ناامن‌تر می‌شود. طبیعتاً آنها از اینکه یک جبهه باید در مقابل یک جبهه پیروز شود که آن جبهه هم آسیا است تردیدی ندارند.

* ابرقدرتی به نام آمریکا طی دو دهه آینده وجود خارجی نخواهد داشت

زارعی در این خصوص اظهار داشت: ابرقدرت بودن یک سری فاکتورها و عناصری دارد و به میزانی که آن عناصر تقویت شوند یا قوی باشند آن ابرقدرت است و به میزانی که این عناصر تضعیف شوند آن ابرقدرت دچار افول می شود.

وی در ادامه به چهار عنصر توانایی در اعمال قدرت، اجماع سازی، قدرت اخلاقی و قدرت مهار کردن اشاره کرد و درباره توانایی در اعمال قدرت گفت: توانایی در اعمال قدرت، یعنی یک دولت بتواند اعمال قدرت کند. یک سیاستی دارد که باید پیاده شود و دولت توان واقعی پیاده کردن آن سیاست را داشته باشد که به عبارت دیگر، توان اعمال قدرت نام دارد. (Capability)

زارعی درباره عنصر اجماع سازی هم تاکید کرد: این یعنی باید بتواند یک اجماع واقعی را بر مبنای سیاست هایی که اتخاذ کرده به وجود بیاورد و ائتلاف هم موثر باشد نه اینکه ائتلاف تشکیل شود اما هفت رنگ باشد و نتواند به ابرقدرت در پیاده کردن سیاست ها کمک کند.

وی افزود: قدرت اخلاقی؛ یعنی مشروعیت قدرت یا به تعبیر دیگر یعنی ابرقدرت باید توانایی اقناع سازی داشته باشد. در واقع باید کسانی به طور واقعی، آن سیاست را درست و منطقی بدانند و به نوعی اوضاع به سمتی هدایت شود که تعارض ها کمتر و همکاری ها بیشتر شود.

زارعی درباره قدرت مهار کردن هم گفت: قدرت مهار کردن یعنی باید بتواند دشمنان را مدیریت و از قدرت آنها کم کند.

زارعی در ادامه به ارزیابی وضعیت کنونی آمریکا پرداخت و افزود: در عنصر اول آمریکایی ها در بسیاری از موضوعات در سال ۲۰۲۲ قادر به اعمال قدرت نیستند. مثلاً در منازعات بین ایران و غرب آمریکایی ها قادر به اعمال قدرت نیستند. اعمال فشار با اعمال قدرت فرق می کند.

این استاد دانشگاه افزود: آمریکا می تواند به دولت دیگری اعمال فشار کند. اما قدرت یعنی استقرار آن سیاستی که ابرقدرت می خواهد و آمریکا نمی تواند در منازعات بین حزب الله لبنان و رژیم اسرائیل، قدرت یا سیاست های خود را اعمال کند. یا آمریکا قادر به حل و فصل قدرتمندانه منازعات خود و چین نیست و دائماً چالش های آنها در حال افزایش است. نافرمانی چین از نظام بین المللی افزایش پیدا می کند، دغدغه آمریکایی ها بیشتر می شود، هزینه ها افزایش پیدا می کند و نتایجی که به دست می آورد کمتر می شود.

وی ادامه داد: در بخش ائتلاف سازی، آمریکایی ها کماکان می توانند پدیدآورنده ائتلاف هایی باشند اما این ائتلاف ها به نحو حداکثری نیست بلکه به نحو حداقلی است؛ یعنی جهان در ماجرای ائتلاف آمریکایی ها شکاف دارد و کشورهای زیادی از ائتلاف بیرون می مانند؛ بنابراین ائتلاف وجهه جهانی پیدا نمی کند، جبهه ای می شود یعنی ترکیبی از چند کشور در حالی که بسیاری از کشورها خارج از ائتلاف قرار می گیرند. آمریکایی ها در حال حاضر نمی توانند در موضوعات مهم مدنظرشان با چین، روسیه و بسیاری از کشورهای دیگر ائتلاف درست کنند، به نوعی ائتلاف شان شکاف دارد و فرسایشی است به طوری که به مرور زمان بی خاصیت می شود. مثل ائتلافی که از ۸۰ کشور، علیه دولت سوریه تشکیل دادند و هیچ اثری از آن باقی نمانده است.

زارعی با تأکید بر اینکه در ده سال آینده، ائتلاف اقتصادی حول محور دلار فرو می پاشد تصریح کرد: بعد از ۸۰ سال، دلار از اریکه قدرت به زیر کشیده می شود. الان نیز آمریکایی ها به طور ناشیانه در عرصه اقتصادی و نظامی قدم می زنند. زمانی که دلار از اریکه پایین بیاید چیزی برای آمریکا باقی نمی ماند.

وی در بحث قدرت اخلاقی یادآور شد: واقعاً در حال حاضر چند درصد از دولت ها رفتار آمریکا را مطابق با هنجارهای بین المللی می دانند؟ حتی اگر بفرص هنجارهای بین المللی را قبول کنیم که هنجارها تثبیت شده و مطاع هستند. الان چند درصد از دنیا اقدامات آمریکا را مطابق با هنجارهای بین المللی می دانند؟ چند درصد قانع می شوند که این کار آمریکا درست است؟ در جنگ یمن، در پرونده فلسطین، مسائل مربوط به چین و تحریم های علیه ونزوئلا، چند درصد از دنیا این را به عنوان یک کار درست پذیرفتند؟ پاسخ کاملاً واضح است.

وی ادامه داد: عنصر چهارم این است که بتواند مخالفین و رقبا را مهار کند. آیا آمریکایی ها واقعاً می توانند ایران را مهار کنند؟ در اعمال فشار حداکثری امکانش هست اما در فشار قدرت می توانند ما را از مسیر برگردانند؟ آیا توانستند در طول ۴۳ سال جمهوری اسلامی را مهار کنند؟ آیا توانستند حزب الله لبنان، چین و روسیه را مهار کنند؟ خیر روشن است. همین موضوعات را اگر به سال ۱۳۵۰ ببریم و این چهار عنصر را در آن موقعیت و فضا ارزیابی کنیم، آیا آمریکا امکان اعمال قدرت دارد؟ بله. آیا آمریکا می تواند اطلاعات موثر تشکیل دهد؟ بله. آیا آمریکا از نظر اخلاقی، پذیرش اخلاقی ایجاد کرده است؟ بله. آیا آمریکایی ها توانستند دشمنان خود را کنترل کنند؟ بله. تمام پاسخ ها در سال 1350، بله هست. اما امروز تمام سوالات، پاسخش به طور نسبی بر خلاف سال 1350 است.

زارعی تأکید کرد: افول به معنای فروپاشی و از بین رفتن قدرت آمریکا و جدایی ایالات آن نیست؛ بلکه افول به این معناست که ابرقدرتی به نام آمریکا طی دو دهه آینده وجود خارجی نخواهد داشت. یعنی آمریکا به عنوان یک ابرقدرت و نه به عنوان یک قدرت وجود خارجی نخواهد داشت. این تصویری از وضعیت آینده آمریکا است که می توان از خلال این تحولات، تجربه نظام جهانی در قرن 19 و تجربه نظام دوقطبی آن را به دست آورد.